

:: چوبه دار نقطه آخر سرقت با چاقو

سارقی که هنگام فرار شاگرد مغازه را با ضربه چاقو به قتل رسانده بود، به دار مجازات آویخته شد.

39 بازدید :: 0 نظر :: ☆☆☆☆☆ :: الاحد, مي 03, 2015

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان قزوین، ساعت حدود 13 و 30 دقیقه 24 مرداد ماه سال 1392 سارقی به نام علیرضا 30 ساله با استفاده از پیچ گوشتی قفل مغازه ای را باز کرده و وارد مغازه می شود.

صاحب مغازه که به همراه همسرش در حیاط پشت مغازه بوده با شنیدن سروصدا با یک میله وارد مغازه شده و با سارق جوانی روبرو می شوند، در این میان سارق صاحب مغازه و شاگردش را تهدید می کند که در صورت مقاومت به آنها حمله می کند و باید به او اجازه بدهند تا فرار کند.

صاحب مغازه میله را بر زمین انداخته و از سارق می خواهد که سریع مغازه اش را ترک کند، سارق هنگام فرار با عکس العمل (شفیعی) کارگر مغازه روبرو می شود که در نتیجه دو ضربه چاقو به گردن و قفسه سینه مقتول زده و فرار می کند.

مأموران انتظامی به سرعت در محل حادثه حضور یافته و موضوع را تحت بررسی های پلیسی قرار می دهند و دستورات لازم قضایی برای پیگیری پرونده نیز صادر می شود که در گام های نخست قاتل شناسایی می شود.

مأموران پلیس علی کارتن خواب را که دارای 18 فقره سابقه کیفری بوده در یکی از مناطق تهران دستگیری می کنند.

پرونده در شعبه دوم دادگاه کیفری مورد بررسی قرار می گیرد و دادگاه با رعایت ماده 27 و مستند به بند ب ماده 29 و موارد 298، 381، 417، 418، 421 و 436 قانون مجازات اسلامی و مواد 661 و 667 همین قانون متهم را به اتهام سرقت تعزیری مقرون به آزار برای 24 هزار تومان وجه نقد به تحمل دو سال حبس و 74 ضربه شلاق و در خصوص اتهام قتل عمدی مرحوم مصطفی شفیع خانی به یک بار قصاص نفس پای چوبه دار محکوم کرد.

حکم صادره با حضور اولیای دم در زندان مرکزی قزوین به اجرا درآمد تا شاید این سرقت و نتیجه عبرت آموز آن درسی برای دیگران باشد.

سارق در واپسین لحظات زندگی خود گفت: چاقو مرا پای دار کشاند

این سارق که با چاقو شاگرد مغازه را به قتل رساند، عامل بیچارگی و بدبختی خود را چاقو دانست.

علی کارتن خواب پیش از اجرای حکم قصاص گفت: فکر نمی کردم چاقو آنقدر خطرناک باشد، نمی خواستم از چاقو استفاده کنم یعنی اگر چاقو نداشتم نمی توانستم چنین بلایی سر خودم بیاورم.

وی ادامه داد: بزرگترین اشتباه من این بود که با خودم چاقو بردم والا با هل دادن و یا زور می توانستم فرار کنم و مرتکب قتل نمی شدم.

این سارق سابقه دار در خصوص علت سرقت هایش اظهارداشت: اعتیاد دارم و برای همین هم ناچار می شدم تا دست به سرقت بزنم و البته بگویم همه این ها را دوستانم سرم آوردند والا من با خیلی از این کارها آشنا نبودم.

وی در پایان اذعان داشت: از همه کسانی که سرنوشت مرا می بینند می خواهم زندگیشان را همانند من به تیاهی ندهند و خود را بیچاره و بدبخت نکنند برای همین از دوست ناباب و چاقو دوری کنند.